

گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر حوزه جمعیت و نویسنده مجموعه «جنگ جهانی جمعیت»

غفلت و خیانت پشت پرده دستکاری آمار جمعیت است



امین حسینی ایران

یک جنگ جهانی خاموش و بی‌صدا که در لایه‌های پنهان در حال رخ دادن است. **جنگ** تحمیلی هشت ساله ایران و عراق با شلیک خمپاره، توپ و تانک و بمباران همراه بود و تعداد بسیار زیادی کشته و زخمی بر جای گذاشت و بسیاری از مردم کشورمان در مسیر دفاع در این جنگ به شهادت رسیدند. اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ بود که کشورمان وارد جنگی تازه شد. این بار نه تویی و تانکی در کار بود و نه تهاجمی آشکار. لشکر کشی صورت گرفته در ذهن و فکر افراد اتفاق افتاد و موجب شد به شکلی آرام و بی صدا رشد مولید در کشورمان به زیر سطح جانشینی برسد و افراد بسیاری متولد نشوند! بخشی از این ماجرا از خارج از کشور

پول و صندوق جهانی جمعیت و سازمان جهانی بهداشت هدایت می‌شد و بخشی دیگر در داخل بودا جریانی که بر نامه پنج ساله کنترل و تحدید مولید را ۲۵ سال ادامه داد تا این تحدید شمایل یک تهدید جدی را به خود بگیرد. نامه اخیر وزیر بهداشت به رهبر انقلاب و صحنه گذاشتن وی بر دستکاری آمار رشد جمعیت هم بخش دیگری از ماجرا را نشان می‌دهد اما پشت پرده این دستکاری آماري چیست و این ماجرا با چه اهدافی و از کجا هدایت می‌شود؟ صالح قاسمی پژوهشگر حوزه جمعیت و نویسنده مجموعه کتاب‌های «جنگ جهانی جمعیت» ضمن ترسیم وضعیت فعلی و سیمای آینده جمعیت کشور، به این سؤالات ما پاسخ داده است.

شما به عنوان پژوهشگر حوزه جمعیت شرایط فعلی کشورمان را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

لازم است مردم ما و همین طور نخبگان و به‌ویژه مسئولان این حقیقت را بدانند که امروز در شرایط جمعیتی خوبی نیستیم و تحولات جمعیتی ما بسیار نگران کننده است. ما امروز در شرایط هشدار جمعیتی هستیم و در آستانه ورود به بحران گسترده و همه‌جانبه جمعیت قرار داریم زیرا تمام شاخص‌های جمعیتی ما عم از نرخ رشد جمعیت، نرخ باروری، نرخ سالمندی، نرخ مولید و شاخص‌های دیگر همه روندی نامطلوب دارند و همه اینها به ما می‌گویند آینده جمعیتی ما تاریک و نگران‌کننده است.

آقای قاسمی، سال ۹۶ بود که اعلام شد رشد جمعیت و نرخ باروری به حد جانشینی رسیده است اما نامه اخیر وزیر بهداشت به رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد این آمار در ست نبوده و بنا به تعبیر دکتر نمکی «اشتباه آماري انجام شده یا سوءنیتی در گذشته موجب شده تا این آمار غلط ارائه شده و برنامۀ یزان جامعه را به اشتباه بیندازد. از سوی دیگر وقتی به سراغ آمارها و گزارش‌های جهانی هم می‌رویم با تغییر و دستکاری اعداد و ارقام مربوط به نرخ رشد جمعیت کشورمان مواجه می‌شویم. به طور نمونه دفتر جمعیت سازمان ملل در گزارش ۲۰۱۷ نرخ باروری ایران در یازم ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۵ و ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ را ۱/۷۱ و ۱/۸۷ فرزند به‌ازای هر زن اعلام کرده که در گزارش سال ۲۰۱۹ خود این نرخ‌ها را به ۱/۹۱ و ۲/۱۵ تغییر داده است! از نگاه شما به عنوان

کسی که پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه جمعیت دارید پشت پرده این دستکاری‌های آماری چیست؟

من قائلم علاوه بر علت‌های داخلی مثل تغییر سبک زندگی، مشکلات اقتصادی و قانونگذاری‌های غیر کارشناسانه اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ و اجرای غیر کارشناسانه این قوانین بنا بود بار صد دائمی تحولات میدانی همراه باشد اما این رصد انجام نشد و به جای پنج سال ۲۵ سال ادامه پیدا کرد در کنار همه اینها از خارج از کشور جریانی به دنبال مدیریت جمعیت نه فقط ایران بلکه تمام کشورهای اسلامی بوده است. مستندات وجود پنجره جمعیت عبور کرد و رفتار فرزندآوری مردم در کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده جرایبی نشد دنیای غرب سیاستی دوگانه را در مسئله فرزندآوری در پیش گرفت و استنادردی دوگانه وضع کرد به این صورت که مردم کشورهای خودشان را به فرزندآوری ترغیب کردند اما در



یکی از اصلی‌ترین جنگ‌های جهانی و تمام‌عیاری که امروز در عرصه بین‌المللی در حال وقوع است و در لایه پنهان پیگیری می‌شود جنگ جمعیت است ما هم در این جنگ قرار گرفتیم و متأسفانه تا حدودی هم قافیه را باخته‌ایم مگر اینکه ورودی مجاهدانه از سوی مردم و نخبگان صورت گیرد

را غفلت می‌دانید یا خیانت؟ من تأکید می‌کنم هر دوی اینها درست است. بخشی از کارشناسان ما به اشتباه تصور کردند برخی شاخص‌های جمعیتی جابه‌جا شده و رفتار فرزندآوری ما تغییر کرده و به‌واسطه برخی روش‌های غلط در محاسبه شاخص‌های جمعیت‌شناسی این اتفاق افتاد. اما عده‌ای تمعداً این کار را کرده‌اند و من قائلم این عده با سوگیری‌های سیاسی تلاش کردند و در صدد بودند که نرخ باروری ما را بالاتر از آنچه هست وانمود کنند تا از مسئولان و مردم رفع نگرانی کنند تا اتفاقی جدی در این حوزه نیفتد. معتقدم متأسفانه دولت فعلی ما به هیچ وجه زیر بار نگرانی‌ها دربارۀ آینده جمعیت نمی‌رود. من به طور دقیق و کارشناسانه می‌گویم دولت سیاست‌های جدید جمعیت را کاملاً نادرده گرفته است.

من تأکید دارم که قطعاً هر دوی اینها وجود دارد و برای هر دو مورد شواهدی دارم. کسانی را می‌شناسم که با وجود آنکه آمارها و داده‌های علمی را با آنان مطرح کردیم و هیچ وجه حاضر نشدند نظرشان را تغییر بدهند و گاهی در برخی موارد و در برخی جاه‌صحبت‌هایی داشتند که ما کاملاً متوجه شدیم این آمارسازی‌ها عمدانه اتفاق می‌افتد

اما کسانی هم بودند که موافق طرح‌های کاهش جمعیت بودند و آمارهای رسیدن جمعیت به سطح جانشینی را قبول داشتند اما پس از تبیین علمی موضوع آن را پذیرفتند. ما این اطلاعات را خدمت دکتر اکبری مشاور وزیر بهداشت ارائه دادیم و ایشان در پیگیری‌هایی که داشتند به اینجا رسیدند که نرخ باروری اعلام شده بر اساس سرشماری سال ۹۵ اشتباه بوده و روند رشد نرخ باروری کشورمان همچون قبل همچنان کاهش است.

اشاره داشتید بخشی از اتفاقی که در حوزه جمعیت در کشورمان رخ داد ریشه در خارج از کشور دارد. چه اهدافی پشت پروژه کاهش جمعیت کشورهای مسلمان است و از کجا هدایت می‌شود؟

جمعیت یکی از مؤلفه‌های اصلی اقتدار و قدرت تمدن‌ها و کشورهاست. وقتی غرب متوجه شد این مؤلفه قدرت را از دست داده تصمیم گرفت تا این مؤلفه اقتدار را از رقیب خودش یعنی تمدن شرق بگیرد. نهادهای بین‌المللی مثل WHO و UNFBA و خیلی از این نهادها را به استخدام درآورد برای اینکه کشورهای تمدن شرق و به‌خصوص کشورهای اسلامی را برای کنترل جمعیت مجاب کند چراکه اگر رشد جمعیت در کشورهای شرقی همین طور ادامه پیدا می‌کرد قدرت تمدن غرب و تمدن امریکایی طی دهه‌های آینده به اضمحلال می‌رفت. برای این اتفاق سند وجود دارد. سند ۲۰۰۰NSSM منتشر شده که مربوط به سال ۱۹۷۴ است که توسط هنری کیسینجر وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی وقت ایالات متحده، نوشته و در دنیا اجرا شده است. هدفش هم این است که جمعیت به عنوان اصلی‌ترین پشتران تمدن و اقتصاد را از تمدن‌های شرقی بگیرد. نهادهای بین‌المللی را هم به خدمت درآورد. همان‌طور که عنوان مجموعه ۹ جلدی بنده «جنگ جهانی جمعیت» است اعتقاد قوی دارم که یکی از اصلی‌ترین جنگ‌های جهانی و تمام‌عیاری که امروز در عرصه بین‌المللی در حال وقوع است و در لایه پنهان پیگیری می‌شود جنگ جمعیت است ما هم در این جنگ قرار گرفته و متأسفانه تا حدودی هم قافیه را باخته‌ایم مگر اینکه ورودی مجاهدانه از سوی مردم و نخبگان صورت گیرد.

در حوزه افزایش جمعیت برخی معتقدند با ازدواج میلیون‌ها جوان مجرد یا حمایت از زوج‌های نابارور می‌توان به رشد جمعیتی مطلوبی دست یافت. از نگاه شما راهکار برون‌رفت از آینده نگران‌کننده‌ای که برای جمعیت کشورمان پیش بینی می‌شود چیست؟

بحث جمعیت موضوعی شبکهای است و باشبکه‌ای از چند ده علت اجتماعی، سیاسی، قانونی، فرهنگی، اقتصادی مر تب‌است و بنابراین نمی‌توان یکی دو راهکار برای آن ارائه داد. اینجا با شبکه‌ای از دلایل روبرو هستیم لذا باید شبکه‌ای از راهکارها هم برای آن ارائه شود تا به وضعیت مطلوب برسیم. به نظر من مهم‌ترین این راهکارها راهکار فرهنگی و اصلاح سبک زندگی است. آمار تجرد در کشور ما خیلی بالاست. امروز بیش از ۱۳ میلیون مجرد داریم. برای محاسبه این عدد اگر خانم‌های بالای ۱۵ سال و آقایان بالای ۲۰ را در نظر بگیریم حدود ۱۲ میلیون جوان مجرد داریم. اگر ازدواج اینها تسهیل شود می‌تواند اتفاق مثبتی در حوزه افزایش نرخ باروری باشد یا همان‌طور که اشاره داشتید ۲۲

بخشی از کارشناسان ماهه اشتباه تصور کردند برخی شاخص‌های جمعیتی جابه‌جا شده و رفتار فرزندآوری ما تغییر کرده و به‌واسطه برخی روش‌های غلط در محاسبه شاخص‌های جمعیت‌شناسی این اتفاق افتاد. اما عده‌ای تمعداً این کار را کرده‌اند و من قائلم این عده با سوگیری‌های سیاسی تلاش کردند و در صدد بودند که نرخ باروری ما را بالاتر از آنچه هست وانمود کنند تا از مسئولان و مردم رفع نگرانی کنند تا اتفاقی جدی در این حوزه نیفتد. معتقدم متأسفانه دولت فعلی ما به هیچ وجه زیر بار نگرانی‌ها دربارۀ آینده جمعیت نمی‌رود

درصد زوج‌های در سن باروری کشورمان نابارور هستند یعنی از هر پنج زوج یک زوج، اگر از درمان ناباروری حمایت شود آنها می‌توانند به چرخه باروری برگردن ضمن این که میل به باروری در این زوج‌ها بسیار بالاست. همه اینها به همراه شرایط اقتصادی در شکل‌گیری وضع کنونی باروری در کشور و سیمای آینده آن دخیل است اما از همه اینها مهم‌تر سبک زندگی و راهکار فرهنگی است. مردم باید به اینجا برسند که تعریفشان از خانواده ایده‌آل تغییر کند. ما بعد از چند ده سال تبلیغات علیه فرزندآوری به اینجا رسیدهایم که تعریف مردم از خانواده مطلوب خانواده‌ای با یک تا دو فرزند است. اگر این تعریف تغییر نکند با وجود همه راهکارهای دیگر ما نمی‌توانیم به نتیجه مطلوب برسیم. بنابراین باید شبکه‌ای از راهکارها وجود داشته باشد و راهکارهای فرهنگی و تغییر سبک زندگی را اولویت است.

اگر به رشد مناسب نرخ باروری و جمعیت دست نیابیم، چه آینده‌ای در انتظار ماست؟

اجازه بدهید تا سه دهه آینده کشور را با چند عدد ترسیم کنیم. امروز کشور ما بیش از ۸۳ میلیون نفر جمعیت دارد اما نرخ باروری ما هم‌اکنون به ازای هر زن زیر عدد ۲ است. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، اول نرخ رشد جمعیت کشورمان صفر و بعد از آن منفی خواهد شد. بین ۲۵ و ۳۰ سال آینده نه فقط جمعیت کشورمان رشد نخواهد کرد بلکه کاهش هم پیدا می‌کند. نکته دوم اینکه امروز ۱۰ درصد جمعیت کشورمان سالمند بالای ۶۰ سال است یعنی از هر ۱۰ نفر یک نفر اما اگر همین طور پیش برویم تا یک دهه آینده بیش از ۳۲ درصد جمعیت کشورمان سالمند خواهد بود و این یعنی از هر سه نفر یک نفر و این جمعیت سالمندی یعنی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ما همه از این تغییر هرم سنی جامعه، متأثر خواهند شد. علاوه بر این اگر این روند سالمندی را طی کنیم تا سه دهه آینده یکی از پنج کشور سالمند جهان خواهیم شد. این در حالی است که هنوز از پنجره جوانی جمعیتی استفاده نکرده و رشد و توسعه اقتصادی را تجربه نکرده‌ایم. در مجموع می‌توان گفت روند فعلی آینده روشنی را برای کشورمان ترسیم نمی‌کند مگر آنکه مسئولان به مسئولیتشان توجه کنند و خانواده‌ها اهمیت موضوع را درک کنند و رفتار فرزندآوری تغییر کند.

آقای قاسمی، ظاهراً پنجره جمعیتی کشور ما هنوز باز است. تا چه زمانی فرصت داریم برای مدیریت آینده جمعیت کشورمان فکری بکنیم؟

پنجره جمعیت یعنی اگر بیش از ۶۰ درصد جامعه‌ای در سنین ۱۵ تا ۶۴ سال یعنی سن کار و فعالیت باشند، این کشور در پنجره جهانی جمعیت است. این پنجره ۴۰ تا ۴۵ سال برای هر کشوری اتفاق می‌افتد. برای ما از سال ۱۳۸۵ پنجره جمعیت باز شد و تا امروز حدود ۱۲ سال از آن را طی کرده‌ایم و ۲۵ سال از این پنجره حدوداً باقی مانده است. البته در پنج سال آخر پنجره جمعیت شروع به بسته شدن می‌کند. بنابراین ما ۱۵ تا ۲۰ سال زمان مفید داریم تا جمعیت آینده کشورمان را مدیریت کنیم اما اگر این کار را نکنیم به شرایطی دچار می‌شویم که دنیای غرب دچار آن شده و با وجود صرف میلیاردها دلار برای افزایش جمعیتش هنوز نتوانسته این کار را مدیریت کند. ما هم اگر این کار را انجام ندهیم بعد از ۲۰ سال هم جوانی جمعیت را از دست داده‌ایم و هم سونامی سالمندی بر کشور تحمیل خواهد شد و دیگر امکانی برای اصلاح این شرایط وجود ندارد. لازم است مردم فارغ از اینکه دولت به وظایف خود در حوزه جمعیت عمل می‌کند یا نه باید خودشان به عواقب این ماجرا فکر کنند و رسانه‌ها این مسئله را برای جامعه تبیین کنند تا رفتار مردم در حوزه فرزندآوری اصلاح شود.

نقش زنان در انتخابات پیش روی خانه ملت

بهارستان به وقت زنان

یکی از نکات قابل تأمل ثبت‌نام یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی رشد بیش از ۵۰ درصدی حضور و ثبت نام زنان برای نشستن بر صندلی‌های سبز بهارستان است. مجلس کنونی یعنی مجلس مردم هم کورددار ورود زنان به عرصه نمایندگی مجلس بود. هر چند ۱۷ نماینده زن به نسبت تعداد کل نمایندگان درصد بالایی نیست اما نمادی از تمایل بیشتر زنان برای حضور در عرصه‌های سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلان به شمار می‌رود، اگرچه زنان مجلس دهم بیش از آنکه نماینده عامه زنان جامعه و نمادی از تمایل زنان به حضور و اثرگذاری در حوزه‌های کلان کشور باشند، نمادی از تلاش جریان اصلاحات برای احیای خود و کسب تعداد بیشتری از کرسی‌های سبز بهارستان بودند.

زنان مجلس دهم همه از طریق حضور در لیست امید به مجلس راه یافتند و راهکار اصلاح‌طلبان برای استفاده از چهره‌های تازه‌ای که عامه مردم درباره آنها پیشینه ذهنی خاصی نداشتند و با تأکید بر شعارهایی همچون حضور و سهم‌خواهی برای زنان جواب داد و تقریباً تمامی ۱۷ زنی که در دور دهم انتخابات مجلس به بهارستان راه یافتند اصلاح‌طلب یا نزدیک به جریان اصلاحات بودند؛ چهره‌هایی که البته بعدتر شناخته شدند و تا پیش از آن ناشناس به شمار می‌آمدند.

شاید همین وابستگی‌ها و نمک‌گیر شدن نمایندگان زن راه یافته به مجلس موجب شد تا دستاوردهای آنان در قالب طرح‌های شعاری و جنگالی محدود شود و زنان مجلس دستاورد قابل ذکر ی برای عامه جامعه زنان نداشتند و بسیاری از مطالبات عامه جامعه زنان همچنان پابر جاست. انتخابات مجلس یازدهم اما با استقبال بیشتر خانم‌ها مواجه شده است؛ زنانی که در صورت داشتن تخصص و تعهد و توان مدیریتی، می‌توانند حضوری ثمربخش داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور با در نظر گرفتن منافع عمومی و مصالح کشور مؤثر واقع شوند. اگر نباست تا زنان به نمایندگی از عامه زنان جامعه در مجلس حضور یابند از بدنه جامعه باشند و یا حداقل این بدنه را درک کنند و بداندن یک زن سرپرست خانوار با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کند یا زنان خانه‌دار را به عنوان بخش مؤثری از جامعه به رسمیت بشناسند و خانه‌داری را در سطح پخت‌وپز و شست‌وشو تنزل ندهند.

در این میان شاید جامعه زنان باید هوشیارتر از همیشه عمل کند. حضور مؤثر زنان تنها در عرصه انتخابات نیست که نبمی از رأی‌دهندگان نیز زن هستند و علاوه بر این زنان از قدرت تأثیرگذاری بالایی در خانواده برخوردارند. این بدین معناست که زنان علاوه بر سهم ۵۰درصدی خود از سید آرای انتخاباتی در انتخاب نمایایی ۵۰ درصد دیگر جامعه یعنی مردان هم اثرگذارند. بنابراین اگر بر عملکرد نمایندگان کنونی مجلس چه نمایندگان زن و چه نمایندگان مرد انتقادات وارد است بخشی از این انتقادات به انتخاب خود ما بازمی‌گردد. اسفند ماه امسال اما فرصت خوبی است تا رشد و تعالی نگاهمان را در انتخاب افراد اصیل بیارماییم. فارغ از اینکه چند زن یا چند مرد به مجلس راه می‌یابند جامعه زنان در راهیایی افراد شایسته و نمایندگان واقعی مردم به مجلس اثرگذار خواهند بود. پس حساب‌شده‌تر انتخاب کنیم.

نگاه

مریم زاهدی



مادر بزرگ‌ها هم حق دارند تنها نباشند

با افزایش امید به زندگی و کاهش رشد جمعیت، یکی از مهم‌ترین اتفاقات پیش‌رو، افزایش آمار سالمندان جامعه است. آخرین بررسی‌های آماری حکایت از آن دارد که در حال حاضر حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند و جمعیت سالمندی در ایران همچنان رو به افزایش است. در این میان اما به دلیل امید به زندگی بیشتر در میان زنان تعداد مادر بزرگ‌ها ز تعداد پدر بزرگ‌ها پیشی گرفته است و در ازای هر ۹۷ مرد سالمند، یکصد زن سالمند وجود دارد.

برخی آمارها هم نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ به‌ازای هر ۱۰۰ زن سالمند، ۸۸ مرد سالمند خواهیم داشت. این بدین معناست که زنانه شدن سالمندی در آینده پررنگ‌تر از امروز خواهد شد. بر اساس اطلاعات آماری سازمان ثبت احوال، در مقابل هر ۱۰۰ دختر، ۱۰۵ پسر به دنیا می‌آید، این در حالی است که سن امید به زندگی در ایران در سال ۹۶ برای زنان ۷۹/۴ و برای مردان ۷۵/۵ سال بوده است. همین مسنه موجب می‌شود تا به رغم اینکه نوزادان دختر کمتری نسبت به نوزادان پسر متولد می‌شوند اما زنن بیشتری به سنین پیری برسند. مادر بزرگ‌ها اما با چالش‌های متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند. زنان در دوران سالمندی و با از دست دادن همسرشان اغلب تنها می‌مانند. طبق آماری که رئیس اداره سالمندان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌دهد ۸۰ درصد مردان سالمند در کشور متأهل هستند و میزان تأهل در زنان سالمند حدود ۴۰ درصد است. این یعنی مادر بزرگ‌ها دو برابر پدر بزرگ‌ها تنها هستند اما در کنار امید به زندگی بیشتر در زنان عامل دیگری که موجب تنها ماندن زنان سالمندی می‌شود موضوعات فرهنگی جاکم بر جامعه ماست. اغلب مردان حتی در سنین سالمندی وقتی با فوت همسرشان مواجه می‌شوند اقدام به ازدواج مجدد می‌کنند اما در نقطه مقابل اکثر زنانی که شوهرشان را از دست می‌دهند ترجیح می‌دهند تا آخر عمر ازدواج نکنند و تنها بمانند.

برخی تابوها و خط قرمزهای فرهنگی هم در این تصمیم‌گیری نقش پررنگی دارد بدین معنا که جامعه و اطرافیان یک مرد اغلب راحت‌تر ازدواج مجدد او را حتی در سنین بالا می‌پذیرند اما جامعه ما هنوز مادامی‌پذیرش ازدواج مجدد زنان را ندارد و در صورت تصمیم به ازدواج مجدد اغلب از سوی جامعه و خانواده تحت فشار قرار می‌گیرد. این در حالی است که ازدواج سالمندان می‌تواند در بهبود روحیه و استقلال آنها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و از سوی دیگر حق هر انسانی است که بتواند برای زندگی و آینده خودش تصمیم بگیرد و با حرکت جامعه به سمت سالمندی باید تلاش کرد تا فرهنگ‌های غلط جا افتاده همچون زشت انگاشتن ازدواج مجدد سالمندان و به خصوص زنان سالمند تغییر کند. مادر بزرگ‌ها هم حق دارند تنها نباشند.